

معطوف به تغییر مرتب رنگ مو می کند که تمهیدی هوشمندانه بود.

خیلی جالب است که یک کارگردان مرد برای فیلم اولش قصه‌ای را پیدا می کند که با محوریت زنان پیش می رود و حتی شاید بشود گفت که فیلم زنانه می سازد. من در همه کارها زنان را نقش محوری و اصلی می دانم برای این که ما در جامعه‌ای زندگی می کنیم که باید به زنان فرصت بیشتر و بهتر بدهیم. فراموش نکنیم اگر زنان کشورمان بانشاط، شاداب و شجاع باشند جامعه و فرزندان رشد می کنند. زنان را اگر در کنج قرار بدهیم نخواهیم توانست جامعه بانشاطی داشته باشیم و به نظر من باید به موضوعی که از حقوق زنان دفاع می کند پرداخت، چرا که نه! حتی در دین هم حضرت محمد(ص) هم دست حضرت فاطمه(س) را می بوسد و او را مادر پدرش(ام ایبها) خطاب می کند و خیلی مشخص است که چه جایگاهی را برای زنان قائل هستند و جامعه ما که براساس چنین شعاری اداره می شود باید از این موضوع پیروی کند. زنانی را که در این فیلم می بینیم که حاضر نیستند شکست را بپذیرند و مبارزه می کنند. این که حاضر نیستند این شرایط را بپذیرند را دوست داشتم به نمایش بکشم. همان طور مثل تئاتر که سعی کردم به اصولم وفادار باشم سعی کردم در سینما هم همین طور باشم، می دانم سخت تر است و به هر حال سرمایه گذار اهداف مالی خودش را دارد که حق هم باوست. سعی کردم این فیلم را وفادارانه بسازیم شاید در فیلم دوم شکل دیگری از کار را تجربه کنم اما در فیلم اول خواستم بگویم من چنین دغدغه‌ای دارم.

برای شما پس از این تجربه، حالا کدام جذاب تر است: سینما یا تئاتر؟
صادقانه، سینما مرا بیشتر سر ذوق می آورد اما عاشقانه هنوز به تئاتر وفادار هستم و باز هم کار خواهم کرد.

به نظر شما درصد خطا در کارگردانی سینما ممکن است یک کار را قویا تحت الشعاع قرار دهد یا در تئاتر؟
درصد خطا در سینما سهمگین تر است به دلیل این که مسائل مالی در سینما دخیل است چون شما مقدار زیادی پول برای یک فیلم هزینه می کنید طبیعتا یک خطای شما می تواند ضرر سهمگینی بزند اما در تئاتر با جسارت بیشتری می شود دست به عمل زد در صورتی که در سینما با جسارت کمتری از تئاتر می شود عمل کرد چون باید به تمام این موانع فکر کنیم.

فیلم دوم را هم با همین حال و هوا خواهید ساخت؟
روی فیلمنامه آن کار می کنم و بسیار متفاوت تر از فیلم اول است. فیلم به طور کلی جهانی دیگری است. شاید جهان کاملا مردانه است.



من در همه کارها زنان را نقش محوری و اصلی می دانم برای این که ما در جامعه‌ای زندگی می کنیم که باید به زنان فرصت بیشتر و بهتر بدهیم. فراموش نکنیم اگر زنان کشورمان بانشاط، شاداب و شجاع باشند جامعه و فرزندان رشد می کنند

کوثری در درک نقش نبود و سعی کردند به آنچه من در ذهن داشتم نزدیک شوند. هر دو در راستای اثر تلاش کردند. البته ناگفته نماند که کار قبلی من در تئاتر با باران کوثری بود پس باران کوثری خیلی هم بازیگر صفا سینمایی محسوب نمی شود. ما باهم خیلی تئاتر کار کردیم و این هماهنگی وجود داشت و همه سعی کردند از کارگردان یا بازیگر تمام تلاش خود را داشته باشند، از این منظر بازی‌ها دارای تشتت نیست.

برای یک کارگردان کاراولی سخت ترین قسمت در کارگردانی چیست؟

شما را راجع می دهم به فصل ششم سریال «بازی تاج و تخت» و آن سکانسی که جان اسنو شمشیر را می کشد و هیچ کس هم پشت سرش نیست و یک سوار از روبه رو به او حمله می کند. جان اسنو می داند که از بین می رود اما شمشیرش را می کشد. آن تصویر آینه تمام نمای هر آنچه برای یک کارگردان کاراولی است که اتفاق می افتد. همه کار را سخت می کنند با این که از سمت تیم اجرایی، کوچک ترین سختگیری به من نشد، با این که تهیه کننده سعی کرد فضا را برای من آرام کند اما در همه جوانب سخت شد. چه قبل از تولید، چه حین تولید و چه پس از تولید و من برای همه کارگردانان کاراولی‌ها آرزوی صبر جمیل دارم اما بخش جذاب حین تولید بود که آنقدر تیم خوب و دلپذیری داشتم و آنقدر یار من بودند که من متوجه نشدم ۵۱ جلسه کار به چه شکل گذشت. از تیمم راضی بودم و صادقانه بگویم از کار کردن با این تیم لذت بردم.

یکی از نشانه‌هایی که در فیلم و در ظاهر بازیگران وجود دارد مانور روی رنگ موی آن‌هاست.

خانواده‌ای محدود بودند که فرصت ارایه خودشان را نداشتند، همین موضوع توجه را

اما در سینما به من کمک کرد که بتوانم از همه آموخته‌هایم استفاده کنم.

در «سروکوب» ترکیبی از بازیگران سینما و تئاتر استفاده شده است، این خواست شما بوده یا فیلمنامه این طور ایجاب کرده است؟

لازمه فیلمنامه بوده و درصد زیادی از این بازیگران تنها گزینه ما بودند اما طبیعتا چون من در تئاتر هم از بازیگران سینمایی استفاده کرده‌ام برای همین بازیگران سینما یا تئاتر در انتخاب‌ها برایم هیچ تفاوتی ندارند. خیلی از بازیگران سینما شاید اولین کار تئاترشان را با من شروع کردند و برای من خیلی تفاوت نمی کرد که بازیگر تئاتر باشند یا سینما، باید احساس می کردم برای این نقش مناسب است، اما طبیعتا چون بازیگران سینمایی همه مشغول کار بودند و همیشه هم پرکار هستند باید فهرستی از انتخاب و جایگزین‌ها تهیه می کردم تا در نهایت با یکی از آن‌ها به توافق برسیم اما واقعیت این است که فیلمنامه مشخص می کند سمت کدام بازیگر برویم. نه من و نه سلیقه شخصی‌ام هیچ کدام دخالتی نداشتیم، برای همین نزدیک به فیلمنامه حرکت کردیم.

کار کردن با کدام بازیگر برای شما راحت تر بود از این حیث می پرسیم که الهام کردا و رویا افشار، سبقه و رزومه تئاتری دارند و باران کوثری و سارا بهرامی در سینما پررنگ تر عمل کرده‌اند.

هر پنج بازیگر زن فیلم، جمشید هاشم پور و حتی آن دو کودک، آن قدر ایده‌های مرا به صورت دقیق، منظم و خوب اجرا کردند که از منظر من آن‌ها ۱۰۰ درصد خودشان را برای نقش گذاشتند و من از همه آن‌ها راضی هستم. هیچ تفاوتی بین بازی الهام کردا و باران